

تا اینجا بیان شد که حکم الهی اولی همان است که تعلق می گیرد به عنوان همیشگی فعل مانند استحباب که تعلق می گیرد به نماز شب و حکم ثانوی آن است که به فعل تعلق می گیرد اما نه به عنوان اولی آن بلکه به عنوان ثانوی و نشانه ثانوی بودن عنوان هم این است که گاهی عارض می شود و گاهی عارض نمی شود. مانند وجوب نماز شب اگر مورد نذر باشد. و نتیجه این شد که بنا بر این مبنا عناوین ثانوی حصر و محدودیت ندارد که این مطلب بر خلاف ارتکازات خیلی از علماست.



اضطرار

احکام اضطراری حکم اولی است یا ثانوی؟ همه می گویند که ثانوی است مانند اکل میته. اما عالم بزرگی مانند محقق بروجردی می فرماید احکام اضطراری که آن را جزو احکام اضطراری قرار می دهند در طول احکام اولی و بدل حکم اولی نمی تواند باشد. احکام ثانوی در برخی موارد نه در طول احکام اولی است و نه بدل از حکم اولی است بلکه خودش حکم اولی است. بعد ایشان از این مبنا در بحث اجزاء استفاده می کند. مثلاً اگر ما آمدیم نمازی را با تیمم خواندیم و گفتیم این حکم اضطراری است که اگر آب نیست تیمم کن و نمازت را با تیمم بخوان این سوال پیش می آید که آیا این نماز با تیمم خوانده شده اجزاء می کند و کافی است یا خیر؟ مثلاً شخص اول وقت با تیمم نماز خواند بعد عذرش برطرف شد آیا باید در وقت اعاده کند یا خارج از وقت نمازش را قضا کند؟ اینجا برای اینکه آقای بروجردی بحث اجزاء را کنار بزند می فرماید اینجا دو جعل داریم اگر آب هست با آب وضو بگیر و نماز بخوان و جعل دوم اینکه اگر آب نیست تیمم کن و نماز بخوان و بحث بدلیت یا در طول حکم اولی بودن اساساً نباید مطرح شود.

خلاصه بحث: در تزاحم همواره بین حکم اولی و ثانوی تزاحم شکل نمی گیرد بلکه بین دو حکم اولی هم هست مانند امر به انقازین. تزاحم فقط برای وقتی است که مندوحه وجود ندارد و اگر مندوحه وجود دارد یا وجود ندارد اما وجود نداشتن آن به دلیل تقصیر مکلف است اینجا گفته شود که اجتماع امر و نهی است. مشهور به ثانوی بودن احکام اضطراری هستند اما محقق بروجردی قائل است در بسیاری از موارد احکام اضطراری در طول یا بدل حکم اولی نیست و خودش به تنهایی حکم اولی است مانند نماز با تیمم که خودش جعل مستقل دارد و در طول حکم اولی و یا بدل از حکم اولی نماز با وضو نیست لذا بحث اجزاء در این موارد منتفی می شود.